



گونه‌شناسی حروف از منظر رضوی

یکی از سوالاتی که از بزرگان می‌شود تعریفشان از حروف در قالب بیانی اعتقادی است؛ برخی شیعیان دیدگاه امام خود را در این باره پرسیده‌اند.

یکی از سوالاتی که از بزرگان می‌شود تعریفشان از حروف در قالب بیانی اعتقادی است؛ برخی شیعیان دیدگاه امام خود را در این باره پرسیده‌اند.

امام رضا حسین روحانی صدر؛ کارشناس ارشد تاریخ یادداشتی به مناسبت شهادت امام رضا(ع) نوشته و در اختیار ایکننا قرار داده است که می‌خوانیم؛

«حرف» ریزترین عنصر تشکیل دهنده هر کلمه، که بر معنایی غیرمستقل دلالت می‌کند و مهم‌ترین وسیله انتقال و ارتباط جوامع بشری است. البته که عموم موجودات با اصوات با یکدیگر ارتباط دارند و استفاده از حرف منحصر به انسان هاست؛ از این روی حروف در میان ما انسان‌ها از احترام خاصی برخوردار بوده و است. ادیان و مذاهب و صاحبان عقل و سلیق هر کدام به نوبه خود افق اندیشه و سطح اهمیت آن را بیان کرده‌اند.

یکی از سوالاتی که از بزرگان می‌شود تعریفشان از حروف در قالب بیانی اعتقادی است. برخی شیعیان دیدگاه امام خود را در این باره پرسیدند. حضرت رضا علیه السلام در اهمیت حروف فرمودند: اولین چیزی که خداوند تعالی خلق فرمود تا مردم به وسیله آن با نگارش آشنا شوند، حروف الفبا بود و هرگاه بر سر کسی ضربه ای بزنند و در اثر آن ضربه نتواند به خوبی تکلم کند، حکم این است که حروف الفبا را بر او عرضه می‌کنند، سپس به تعداد حروفی که نتوانست تلفظ کند، به او دیه داده می‌شود. این حکم فقهی براساس حروف ابجد که حروفی اند برای مرتب سازی حروف زبان عربی و برپایه الفبای اولیه خط فنیقی، مرتب شده‌اند.

گونه‌شناسی حروف از منظر ایشان بر سه محور توحید، نبوت و معاد تعریف شده است. سپس حضرت فرمودند: خداوند این قرآن را با همین حروفی که عرب‌ها با آن سروکار دارند و به کار می‌برند، نازل فرمود و سپس گفت: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (بگو اگر جن و انس دست به دست یکدیگر دهند تا چنین قرآنی بیاورند نخواهند توانست هر چند در این کار کمک یکدیگر باشند. (اسراء/ ۸۸) ایشان برای هر ۲۸ حرف ابجدی قرآنی تعبیر مستقلی به نقل از حضرت امیر به این شرح فرمودند: الف، آلاء و نعم الهی است، باء، بهجت و سرور خداست، تاء، تکمیل شدن کار قائم آل محمد صلوات الله علیهم است، ثاء، ثواب مؤمنین به خاطر کارهای خوبشان است.

جیم جمال و جلال، خداست، حاء، حلم خدا درباره گناهکاران است، خاء بی نام و نشان بودن اهل معاصی در نزد خداوند عزوجل است، دال دین خداست، ذال از ذوالجلال و صاحب جبروت است. راء، از رؤف و رحیم و زاء زلزله‌های قیامت است. سین نور الهی است، شین خداوند خواست آنچه خواست و اراده کرد آنچه اراده کرد و اراده و اختیار مردم به خاطر دین است که خدا خواسته است، دارای اراده و اختیار باشند، صاد از صادق الوعد و راستگو است برای بردن مردم بر صراط و نیز بازداشتن ظالمین در مرصاد و کمینگاه الهی، ضاد هرکس با محمد و آل محمد صلی الله علیه و سلم مخالفت کند به ضلالت و گمراهی افتاده است، طاء، خوشی و حسن عاقبت برای مؤمنین است، طاء مؤمنین به خداوند حسن ظن دارند و کافرین سوء ظن، عین از علم و عین از غنی است، فاء، شعله‌هایی از شعله‌های آتش است و قاف قرآن است که جمع کردن و قرائت نمودن آن بر عهده خداست، کاف از کافی و لام لغوگویی کافرین است در دروغ‌هایی که بر خدا می‌بندند.

میم ملک و پادشاهی خداست و نون نعمت‌های الهی است که به مؤمنین می‌دهد و نکال و عذابی است که کافرین را دچار آن می‌کند واو، وای برکسی که خدا را نافرمانی کند و هاء، ذلت و خواری و کوچکی نافرمانان است در برابر خدا، و لام الف (لا) «لا إله إلا الله» است که بدان کلمه اخلاص گویند و هر بنده ای که آن را با خلوص نیت بر زبان جاری کند، بهشت بر او واجب می‌گردد، و یاء، دست خدا بر خلق گشاده است و روزی می‌دهد.